انتظار ۵



طلوع خورشید

مهدی یوسفیان

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار ۵ : طلوع خورشید

نویسنده:

مهدی یوسفیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار ۵: طلوع خورشید

مشخصات کتاب

سرشناسه : یوسفیان، مهدی، ۱۳۲۸ -

عنوان و نام پدیدآور : طلوع خورشید/ مهدی یوسفیان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام،مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۵۵ ص.؛.م س ۲۰× ۱۰

فروست : انتظار؛ ۵.

شابک : ۲۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۴۲۸-۳۵-۹ ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)

یادداشت : چاپ چهارم: آذر ۱۳۸۶.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت-- انتظار

رده بندی کنگره : BP۵۱/ی۹ط۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۴۰۳۳۰

ص:۱

اشاره

انتظار«۵»

طلوع خورشید

مهدی یوسفیان

طلوع خورشید (انتظار ۵)

مؤلف/ مهدی یوسفیان

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ/ هشتم، زمستان ۱۳۹۰

شمارگان/ سه هزار

طراح جلد و صفحه آرا/ عباس فریدی

بها/ ۱۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویّت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / تلفن: ۴-۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

/ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۸-۶۶-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

مقدمه ناشر

اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می کند که امروز بشر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و نشناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام و وظایف ما در قبال او، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته اند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به همت پژوهشگران مرکز تخصصی مهدویت، در راستای این هدف مهم، مجموعه ای را به نام «انتظار» فراهم آورده تا به تبیین مباحث و موضوعات مختلف فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک بپردازد. و در کنار فصلنامه علمی تخصصی انتظار که ویژه پژوهشگران و متخصصان است؛ رهنمون عموم علاقمندان گردد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

پیشگفتار

شناخت وجود مقدس امام زمان علیه السلام بسیار مهم و ارزشمند است؛ زیرا از یک سو معرفت صحیح امام بر هر فرد واجب بوده و نبود آن، مرگ جاهلیت را به دنبال دارد(۱) و از سوی دیگر شناخت بهتر موعود پیامبران و مصلح جهانی و آگاهی از زندگانی او، نقش مهم و تعیین کننده ای در زندگی افراد دارد و حرکت آنان را تنظیم می کند. این شناخت دو جنبه دارد:

۱. معرفت شخص آن بزرگوار که او کیست و زندگانی او به چه صورت است؟

۲. معرفت شخصیت ایشان که جایگاه آن حضرت در نظام هستی کجاست و چه آثاری بر آن مترتب است و ما چه وظایفی در قبال امام داریم؟

این نوشتار در پی آن است که ضمن نگاهی کوتاه و گذرا به زندگی آن حضرت _ از ولادت تا آغاز امامت _ دوران کودکی ایشان را تا زمانی که به امامت رسید، بررسی کرده و برخی از زوایای حیات ایشان را در این دوره کوتاه، فرا روی خوانندگان و علاقه مندان قرار دهد. بررسی دوران غیبت صغری و کبری را به وقتی

۱- پیامبر اسلام(فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه». (بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۷۶-۹۵)

دیگر موکول می کنیم.

یک. مشخصات و ویژگی ها

۱_۱. نام و کنیه

نام و کنیه امام زمان علیه السلام ، همان نام و کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. امام صادق علیه السلام از قول پدران بزرگوار خود علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی أشبه الناس بی خلقاً و خُلقاً»؛(۱) «مهدی علیه السلام از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، شبیه ترین مردم به من از جهت صورت و سیرت است».

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۱؛ کمال الدین وتمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱.

۱_۲. القاب

برخی لقب های مشـهور ایشان عبارت است از: مهـدی، قائم، منتظَر، بقیه الله، صاحب الزمان، صاحب الامر و معروف ترین آنها «مهدی» است.

هر یک از این القاب بیانگر پیام ویژه ای در مورد آن وجود مقدس است. آن بزرگوار را «مهدی» می گویند، زیرا هدایت شده ای است کـه مردم را به تمـامی امـور پنهـان هـدایت می نمایـد.(۱) و «قـائم» می نامنـد، چـون برای حـق و عـدل قیـام خـواهد کرد.(۲)«منتظَر» نامیـده انـد؛ زیرا مؤمنـان انتظـار مَقْـدم او را دارند(۳) و «بقیـه الله» خطـاب می کننـد چـون کـه ذخیره خـداوند است.(۴) «حجت» می نامند از آن رو که حجت و گواه خدا بر خلق است(۵) و «صاحب الزمان» می گویند، چرا که واسطه

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۷ و....

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۳- ر.ک: کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

۴- ر.ک: کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

۵- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹.

فیض خداونـد و حلقه ارتباط مردم و خـدا است، و «صاحب الامر» می خواننـد؛ زیرا امر ولایت در اختیار او و حاکمیت برای او است.

۱_۳. شمایل و خصوصیات

در روایات شـمایل و اوصاف حضـرت مهـدی علیه السـلام بیان شـده است که به برخی از آنها اشاره می شود. ویژگی بارز در مورد آن بزرگوار، شباهت میان ایشان با پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم است. از پیامبر اسلام نقل شده است: «اَشْبَهُ النّاسِ بی فی شَمائِلِهِ وَ اَقوالِهِ وَ اَفعالِهِ»؛(۱) «شبیه ترین مردم به من است در اوصاف و قیافه اش و در گفتار و کردارش».

چهره آن حضـرت جوان و گندمگون، پیشانی اش بلند و تابنده، ابروانش هلالی و کشـیده، چشـمانش سیاه و درشت، بینی اش کشـیده و زیبـا، و دنـدان هایش برّاق و گشاده است. بر گونه راست ایشان خالی مشـکین و در میان شانه اش اثری ویژه همانند اثر نبوت دیده می شود. اندام آن بزرگوار متناسب و

۱- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۲، ح ۱۰۵.

میانه است. صورت ایشان می درخشد: «وَجهُهُ یَضِیءُ کأَنّهُ القَمَرُ لَیلَه البَدرِ»؛(۱) «صورت او مانند ماه شب چهارده می درخشد».

امـام مهـدی علیه السـلام دارای وجـودی معطّر و خـوش بو است و هیبت و عظمت فوق العـاده ای دارد و در عین حـال به مردم نزدیک است: «شابٌّ حَسنُ الوَجْهِ، طَیِّبُ الرائِحه، هَیوب وَمَعَ هَیبَتِهِ متقرِّبٌ اِلی الناسِ»؛(۲)«جوانی خوش سیما، خوش بو و دارای هیبت و عظمت بوده و به مردم نزدیک است».

او اهل عبادت و شب زنده داری، زهد و ساده زیستی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری است:

«بِاَبی من لیله یرعی النجوم ساجداً و راکعاً»؛(۳) پدرم فدای کسی که شب ها در حال سجده و رکوع (طلوع و غروب) ستارگان را مراعات می کند.

«ما لباسه الا الغلیظ و ما

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۸.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱، ح ۱.

۳- بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱، ح ۸.

طعامه الا الجشب»؛(۱) لباس مهدی جز پوشاکی درشت، خوراك او جز غذایی سخت (و بی خورش) نیست.

«علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب» و...»(۲)؛ او دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است.

۱_۴. نَسَب

پدر حضرت مهدی علیه السلام ، امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین امام معصوم و مادر بزرگوارش حضرت نرجس علیها السلام می باشند.

مادر ایشان کنیزی بسیار پاک و وارسته بود که در خانه حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام و عمّه امام حسن عسکری علیه السلام و تحت تربیت ایشان قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی و صادقین علیهم السلام ایشان را بهترین کنیز خطاب کرده بودند. امام علی در مورد ایشان فرمود: «بِأَبی ابن خیره الاِماء»؛(۳) «پدرم به فدای کسی که پسر بهترین کنیزان

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.
۲- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۹۵، ح ۳.
۳- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

است».

برای جناب نرجس خاتون نام های دیگری نیز گفته شـده است؛ مانند: ریحانه، سوسن و صـقیل. سـید محمد صدر درباره تعدّد نام های ایشان در کتاب تاریخ غیبت صغری تحلیل مناسبی ارائه کرده است.(۱)

طبق برخی اقوال ایشان «ملیکه» نوه قیصـر روم و از جانب مادر از نسل شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام و اهل روم بود که به دست مسلمین اسیر شد.(۲)

۱_۵. میلاد

امام مهدی علیه السـلام در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه_.ق (۸۶۹ م) در شهر سامرا در عراق دیده به جهان گشود. البته در سال تولـد ایشان اختلافی مطرح و سال ۲۵۴ و ۲۵۶ نیز گفته شـده است که می توانـد به علت پنهانی بودن تولّد ایشان باشد.

ولادت آن حضرت نزد شیعه و برخی از

۱- ر.ك: پژوهشی در زندگی امام مهدی(و نگرشی به غیبت صغری، ص ۲۰۴.

۲- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، باب ۴۱.

اهـل سنّت از مسلّمات تاريـخ است. عـده ای از پژوهشـگران در كتـاب هـای خود، به نـام برخی از علمای عامّه كه ولادت را پذيرفته اند اشاره كرده اند.(۱)

۱_۶. دوران زندگی حضرت

زندگی حضرت مهدی عليه السلام به سه دوره تقسيم شده است:

۱. دوران اختفا: اين دوره از زمان ولادت شروع شد و تا شهادت امام حسن عسكری عليه السلام ادامه يافت. اين دوره پنج سال بود و كودكی آن حضرت را شامل می شد.

۲. دوران غيبت: اين دوره از زمان شـهادت امام حسن عسـكری عليه السلام شروع شده و تا زمان ظهور ادامه دارد. (البته برخی دوران غيبت را از زمان ولادت می دانند). اين دوره خود به دو مرحله تقسيم می شود: غيبت صغری و غيبت كبری.

۲_۱. غيبت صغری: دوره زمانی محدود، از سال ۲۶۰ ه_.ق تا ۳۲۹ ه_.ق (حدود هفتاد

۱- ر.ك: علی اصغر رضوانی، شيعه شناسی.

سال) را شامل می شود. این دوران، نقش مهم و تعیین کننـده ای برای ورود شـیعیان به مرحله غیبت کبری داشت. ویژگی بارز این دوره وجود چهـار سـفیر و نـایب خـاص بود: عثمـان بن سـعید عَمری، محمـد بن عثمـان بن سـعید عمری، حسـین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. اینان نقش رابطه بین مردم و امام را ایفا می کردند.

۲_۲. غیبت کبری: بـا رحلت علی بن محمـد سـمری، دوران غیبت کبری یا غیبت تامه شـروع شـد. در این دوره دیگر فردی به عنوان نایب خاص به عنوان رابط ویژه میان مردم و امام علیه السـلام ، وجود ندارد. امام زمان علیه السلام در آخرین توقیع خود به نـایب چهـارم چنین فرمود: بسم اللّه الرحمن الرحیم. یـا علی بن محمـد السـمری! اعظم اللّه اَجر اِخوانک فیک فانّک میّت ما بینک و بین سته أیام فاجمع اَمرک و لاتوص الی احـد یقوم مقامک بعـد وفاتک، فقد وقعت الغیبه الثانیه (الغیبه التامّه)...»؛(۱) «ای علی بن

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ص ۲۹۴، باب ۴۵، ح ۴۵.

محمد سـمری! خداوند اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند که تو ظرف شـش روز آینده خواهی مرد. پس خود را برای مرگ مهیّا کن و به احـدی وصـیت مکن که پس از وفـات تـو قـائم مقـام تو شود که دومین غیبت (غیبت تـامه) واقع گردیـده است».

همـان گـونه که غیبت دو مرحله ای بود، نیـابت نیز دو مرحله دارد: نیـابت خـاص برای غیبت صـغری و نیـابت عـام برای غیبت کبری.

در «نیـابت خاص»، چهار تن با اسم و رسمِ مشـخص، از طرف امام معیّن شـده و از سوی نایب قبل به مردم معرفی شدنـد. نایب اول نیز به وسـیله امـام حسن عسـکری علیه السـلام معرفی شـده بود. در «نیـابت عـام» براساس یک ضابطه کلی و معین از سوی امامان علیهم السـلام ، نایب عام مشـخص شده و مردم باید به او رجوع کنند. البته مقام نیابت از طرف امام علیه السلام به واجد شرایط تفویض می شود؛ نه اینکه مردم بخواهند مقام نیابت را به کسی واگذار کنند.

شیخ صدوق(۱)، طوسی(۲) و طبرسی(۳) توقیعی

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- کتاب الغیبه، ص ۲۹۰.

۳- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده اند که: «وامّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانّهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم»؛ «در حوادث و رخدادهایی که واقع می شود، به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنانم».

بدین ترتیب سرپرستی امور مردم در زمان غیبت کبری، از طرف امام علیه السلام در دست «ولی فقیه» قرار گرفته است. منصب «فتوا» و «قضاوت» از پیش به وسیله ائمه علیهم السلام برای فقها قرار داده شده بود؛ ولی رسمیت مرجعیت و زعامت فقهای اسلام، از این تاریخ پدید آمد و تا زمان ظهور ادامه دارد.

گفتنی است که امام شؤون و وظایفی دارد که به همه آنها ــ جز آنچه با غیبت ناسازگار است ــ به بهترین وجه اقدام می کند. خود آن حضرت می فرماید:

«الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا

غیبتها عن الابصارِ السحابُ»؛(۱) «بهره بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است، هنگامی که ابرها او را از چشم ها می پوشانند».

باید دانست که مراد از غیبت «امام غایب»، ظاهر نبودن ایشان است، نه حاضر نبودن. امام مهدی علیه السلام با قیام، ظهور می کند، نه اینکه حضور پیدا کند. حضرت در میان مردم حاضر و بر کارها ناظر است و در موارد لازم، فریادرسی و عنایت می کند.

آن بزرگوار در توقیعی به شیخ مفید قدس سرّه می فرماید: «فانا نحیط علماً بِاَنبائکم و لایعزب عنا شیء من اخبارکم»؛ «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست».

و در قسمتی دیگر از این توقیع آمده است:

«اِنّا غیر مهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم و لولا ذلک لنزل بکم اللأوا واصطلمکم الاعداء»؛(۲) «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال

۱- الاحتجاج، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

۲- الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶، ش ۳۵۹.

نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم؛ اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«صاحب هذا الامرِ یَتَرَددُ بینهُمَ وَ یمشِی فِی اَسواقِهِم وَیَطَأُ فُرُشَهُم وَلایَعْرِفُونَهُ»؛(۱) «صاحب این امر (قیام و حکومت الهی) در میان آنها تردّد دارد و در بازارهایشان راه می رود و بر فرش هایشان گام می نهد؛ ولی او را نمی شناسند».

دوران غیبت، میدان بزرگ ترین آزمایش و غربال انسان ها است و ایمان و عمل مؤمنان به بوته امتحان و سنجش گذاشته می شود تا چه کسی موفق و سربلند شود.

۳. دوران ظهور: این دوره به اذن خدا، با پایان غیبت کبری شروع می شود و آن حضرت با خروج و قیامشان، حاکمیت الهی خود را بر جهان برقرار می کند و آن را از عدل

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳، ح ۴.

ص:۱۹

و داد آکنده می سازد.

دو. دوران پنهان زیستی

اشاره

دوران اختفـا و پنهـان زیستی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف از سال ۲۵۵ هـ.ق با ولادت آن حضـرت شروع شد و تا رحلت امام حسن عسـکری علیه السـلام در سال ۲۶۰هـ.ق ادامه یـافت. این دوره پنـج سال به طول انجامیـد و ایام کودکی امام مهدی علیه السلام را در بر گرفت.

این دوران مبـاحث مختلفی از زنـدگی آن وجود مقـدّس را شامـل می گردد که به بعضـی از آنهـا اشاره می شود: چگونگی و اثبات ولادت امام علیه السـلام ، برخی از فعالیت های ایشان در این دوره، بعضی از اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام در رابطه با امام مهدی علیه السلام و....

۲_۱. چگونگی ولادت

در روایات متعددی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «مردی از خاندان من ــ که دوازدهمین خلیفه و جانشین پس از من است ــ قیام خواهد کرد و با نابودی ظلم و ستم و برقراری حکومت الهی، عدل و راستی را در جهان خواهد گستراند». فرمانروایان ستمگر عباسی براساس این روایات، به دنبال قتل و نابودی ایشان بودند و لذا مراقبت و سخت گیری زیادی نسبت به اهل بیت داشتند و حتی امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را به شهر سامرا منتقل کردند. روشن است که در چنین شرایطی، ولادت آن بزرگوار باید پنهانی و به گونه ای باشد که آسیبی به ایشان نرسد؛ از این رو ولادت ایشان به تولّد حضرت موسی علیه السلام تشبیه شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اِنَّ اللّهَ تبارَک و تَعالی أَدارَ لِلقائِم مِنّا ثَلاثَةً أَدارَها فی ثلاثه مِنَ الرُّسُلِ علیهم السلام : قَدَّرَ مَولِدَهُ تقدیر مولد موسی علیه السلام ...اَمّا مَولِدُ مُوسی علیه السلام فَاِنّ فرعون لما وقف علی انّ زوال ملکه علی یده امر بِاحضار الکهنه فدلّوه علی نسبه و

انّه یکون من بنی اسرائیل، و لم یزل یأمر اصحابه بشَقِّ بطون الحوامل من نساء بنی اسرائیل حتی قتل فی طلبه نیّفاً و عشرین الف مولود، و تعذر علیه الوصول الی قتل موسی علیه السلام بحفظ الله تبارک و تعالی ایاه، و کذلک بنو امیه و بنوالعباس لما وقفوا علی انّ زوال ملکهم وملک الأمراء والجبابره منهم علی ید القائم منّا ناصبونا العداوه و وضعوا سیوفهم فی قتل آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم و اِبادَه نسله طمعاً منهم فی الوصول الی قتل القائم و یأبی الله عزوجل ان یکشف امره لواحد من الظلمه الاّ ان یتمّ نوره و لو کره المشرکون...»؛(۱)«خدای متعال در قائم علیه السلام ما سه خصلت جاری کرده که آنها در سه تن از پیامبران نیز جاری بود: مولدش را چون مولد موسی علیه السلام مقدّر کرد... اما تولد موسی علیه السلام چون فرعون دانست که زوال پادشاهی او به دست موسی علیه السلام است، دستور داد تا کاهنان را حاضر کنند! آنان او را از نَسَب موسی علیه السلام آگاه ساختند و گفتند: وی از بنی اسرائیل است.

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۳۳، ح ۵۱.

فرعون به کارگزاران خود دستور می داد که شکم زنان باردار بنی اسرائیل را پاره کنند و حدود بیست و چند هزار نوزاد را کشت، اما نتوانست موسی علیه السلام را به قتل برساند؛ زیرا خدا او را حفظ کرده همچنین بنی امیه و بنی عباس وقتی دانستند که زوال پادشاهی آنها و امیران و ستمگران، به دست قائم علیه السلام است، با ما به دشمنی پرداختند و در قتل آل رسول علیه السلام و نابودی نسل او شمشیر کشیدند؛ به طمع آنکه بر قتل قائم علیه السلام دسترسی یابند! اما خدای تعالی ابا دارد امر خود را از ستمگران روشن سازد؛ مگر اینکه نور خود را کامل می کند و اگرچه مشرکان را ناخوش آید».

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «ان موسی علیه السلام لما حملت امه به لم یظهر حملها الّا عند وضعه»؛(۱) «چون مادر موسی علیه السلام به او حامله شد، حمل او ظاهر و آشکار نشد مگر هنگام زایمان او».

بنابراین ولادت حضرت مخفیانه بود و حتی نزدیکان امام یازدهم علیه السلام نیز تا چند ساعت

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۵، باب ۲، ح ۲؛ المیزان، ج ۱۶، ص۱۲.

قبل از ولادت، از آن بی اطلاع بودند. حکیمه خاتون دختر گرامی امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام جریان ولادت را چنین بازگو می کند:

امام حسن عسکری علیه السلام به دنبال من فرستاد و فرمود:ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش چرا که شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب [آخرین] حجت خود بر روی زمین آشکار خواهد کرد. پرسیدم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدای شما شوم! نشانه بارداری در او پیدا نیست. فرمود: سخن همان است که گفتم.

حکیمه گوید: پس [بر نرجس] وارد شده وسلام کردم و نشستم. او پیش آمد و گفت: بانوی من حال شما چطور است؟ گفتم: بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی. سخن مرا نپذیرفت و گفت: عمه جان! چه می فرمایید؟ گفتم: دخترم! امشب خدای متعال به تو پسری عنایت می فرماید که آقا و سرور دنیا و آخرت خواهد بود. پس خجالت کشید و حیا کرد.

پس از نماز عشا، افطار کردم و در بستر

خود آرمیدم و هنگام نیمه شب برای انجام نمازِ [شب] برخاستم و آن را به جا آوردم؛ در حالی که نرجس [به آرامی] خوابیده بود بدون آنکه اتفاقی برایش روی دهد. پس از انجام تعقیبات [نماز] خوابیدم. سپس هراسان بیدار شدم و حال آنکه او همچنان در خواب بود. لحظاتی بعد برخاست و نمازِ [شب] گزارد و خوابید.

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست وجوی فجر و سپیده به آسمان نگریستم، پس سپیده اول را مشاهده کردم و نرجس همچنان در خواب بود. پس به شک افتادم، ناگاه امام حسن علیه السلام از جایگاه خود ندا برآورد:ای عمّه شتاب مکن، امر [ولادت] نزدیک است. نشستم و به قرائت سوره های «سجده» و «یس» مشغول شدم که نرجس با اضطراب بیدار شد. به سرعت نزد او رفتم و گفتم: «اسم الله علیک»(۱) (نام خدا بر تو باد)، آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری ای عمّه! گفتم: بر خود مسلّط باش و دلت را

۱- این جمله کنایه از این است که بلا از تو دور باد.

استوار دار که این همان است که با تو گفتم. در این هنگام ضعفی من و نرجس را فرا گرفت. پس به صدای سرورم [نوزاد تولد یافته] به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و او را در حال سجده دیدم. پس او را در آغوش گرفتم و کاملا پاک و پاکیزه یافتم.

در این هنگام ابا محمد امام حسن علیه السلام مرا ندا داد:ای عمه! پسرم را نزد من بیاور. او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش ومفاصل وی کشید، سپس فرمود:ای فرزندم! سخن گوی. پس [نوزاد] لب به سخن گشود و فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریک له و اشهد ان محمداً رسول اللّه». سپس بر امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام درود فرستاد تا به نام پدرش رسید و از سخن گفتن باز ایستاد. سپس امام حسن علیه السلام فرمود:ای عمه! او را به نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند...

حکیمه گوید: فردای آن روز به نزد امام یازدهم رفتم و بر حضرت سلام کردم و پرده را کنار زدم تا مولایم (امام مهدی علیه السلام) را ببینم،

ولی او را ندیدم؛ از این رو از پدر بزرگوارش پرسیدم: فدای شما شوم! برای مولای من چه اتفاقی روی داده است؟ آن حضرت پاسخ داد:ای عمّه! او را به آن کسی سپردم که مادر موسی، موسی علیه السلام را به او سپرد.

حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید، آمدم و سلام کردم و نشستم. امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم را نزد من آور!

من سرورم را آوردم... امام فرمود: فرزندم! سخن بگوی! نوزاد [لب گشود و] پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر بزرگ اسلام و پدران بزرگوارش، این آیات را تلاوت کرد: «بسم الله الرحمن الرحیم و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون».(۱)

۲_۲. اثبات ولادت

اشاره

در تبیین و اثبات امر ولادت امام مهدی علیه السلام

۱- قصص (۲۸)، آیه ۵ و ۶؛ کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۴۱، ح ۱.

از گزینه ها و راه های مختلف و متعددی می توان بهره برد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۲_۲_۱. مراجعه به تاریخ

۱. تصریح امام حسن علیه السلام به ولادت

کلینی قدس سرّه در روایت صحیحی از ابوهاشم جعفری نقل می کند: «به ابومحمد امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: هیبت شخصیت شما مرا از پرسیدن باز می دارد، آیا اجازه می دهید که از شما سؤالی بپرسم؟ فرمود: بپرس. عرض کردم: آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری. عرض کردم: اگر برای شما حادثه ای رخ داد، در کجا از او سراغ بگیریم؟ فرمود: در مدینه».(۱)

و در مواردی نیز آن حضرت با نوشتن نامه، امر ولادت را اعلام می کرد. احمد بن حسن بن اسحاق می گوید: «چون خلف صالح علیه السلام متولد شد، از مولایم امام حسن عسکری علیه السلام به جدّم احمد بن اسحاق نامه ای

۱- اصول کافی، ج ۱، (کتاب الحجه)، ص ۳۲۸، ح ۲.

رسید که در آن، امام با دست خط خود آورده بود: برای ما فرزندی متولّد شده است و باید نزد تو پوشیده و از مردم پنهان بماند که ما جز به خویشان و دوستان اظهار نمی کنیم، خواستیم خبر آن را به تو اعلام کنیم تا خداوند تو را شاد سازد همچنان که ما را شاد ساخت. والسلام ».(۱)

۲. شهادت دادن قابله

طبیعی است؛ بهترین کسی که می تواند به درستی شهادت و گواهی بر ولادت دهد، قابله ای است که در هنگام ولادت حضور داشته است. قابله آن حضرت بانوی بزرگوار و پرهیزکار حکیمه خاتون دختر امام جواد و عمه امام حسن عسکری علیهما السلام بود که به این مطلب تصریح کرده است و داستان ولادت از زبان ایشان بیان شد.

۳. سنّت عقیقه

یکی از برنامه ها و سنت های سفارش شده در دین، سنت عقیقه (کشتن گوسفند) برای نوزاد است. که برای سلامتی فرزند و برکت زندگی او

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۴۲، ح ۱۵.

تأثیر دارد. امام حسن عسکری علیه السلام با انجام عقیقه برای حضرت مهدی علیه السلام ، ضمن عمل به این سنّت دینی، گروه بسیاری از شیعیان را از ولادت آن حضرت آگاه کرد. صدوق قدس سرّه به چند قضیه در این رابطه اشاره می کند:

ابوجعفر عمری (سفیر خاص امام مهدی علیه السلام) می گوید: «چون امام [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] متولد شد، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: به دنبال ابوعمرو بفرستید. چون به نزد امام آمد، به او فرمود: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت خریداری کن و تقسیم کن (احتمالا میان بنی هاشم) و چند گوسفند برای او عقیقه کن».(۱)

در روایت دیگر محمدبن ابراهیم کوفی گوید: «امام حسن عسکری علیه السلام برای یکی از کسانی که نامش را برایم ذکر کرد، گوسفند سربریده ای فرستاد و فرمود: این از عقیقه فرزندم محمد است».(۲)

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج۲، ب ۴۱، ح ۶.

۲- کمال الدین وتمام النعمه، ج۲، ب ۴۱، ح ۱۰.

۴. شهادت افرادی که امام را دیده اند

در کتاب های معتبر و ارزشمند، سخن از افرادی به میان آمده که حضرت مهدی علیه السلام را دیده اند. این دیدارها، به دوران کودکی و دوران غیبت صغری مربوط می شود.

صدوق قدس سرّه در کمال الدین و مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبه بابی را به عنوان «افرادی که حضرت را دیده اند» گشوده اند. آنان حضرت مهدی علیه السلام را از نزدیک دیده و بر آن شهادت و گواهی داده اند. بعضی از این قضایا در ادامه نوشتار نقل می شود.

۵. وجود وکیلان و نایبان خاص

هر کس به تاریخ زندگی امام مهدی علیه السلام نگاه کند، به روشنی به ویژگی خاص غیبت صغری ــ همان وجود چهار نایب خاص ــ پی می برد. وجود این افراد با چنین عنوان خاص، خود بیانگر وجود موکل است. در بحث وکالت، این موضوع با دقّت و تفصیل بیشتری بیان می شود.

۶. نوع برخورد حکومت وقت

با پژوهشی در زندگی پر فراز و نشیب اهل

بیت علیهم السلام روشن می شود که حاکمان زمان چگونه در تلاش بودند تا نور هدایت آنان را خاموش کنند و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذاری نکردند. در این میان برخورد حکومت با امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام به شکل دیگری بود و داستان چگونگی برخورد فرعون با بنی اسرائیل را تداعی و زنده می کرد. ابتدا گفتنی است که خلفای عباسی، مانند بسیاری از مردم رسالت جهانی امام مهدی علیه السلام را می دانستند و آگاه بودند که آن حضرت ویران کننده بساط حکومت ظالمانه آنان است و نیز خود می دانستند که حکومتشان غاصبانه است و جانشینان واقعی پیامبر همان دوازده امامی اند که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نام آنان را بیان کرده است. نخستین آنان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین ایشان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیهم السلام می باشند.

با توجه به این مقدمه برخورد حکومت به شکل های مختلفی بود؛ از جمله:

۶_۱. انتقال امام هادی و عسکری علیهما السلام به سامرا: شهر سامرا به دستور خلفای عباسی پی ریزی شد و ساکنان آن، بزرگان خاندان

عباسـی و لشـکریان مورد اعتمـاد خلیفه بودنـد و به عبارت روشن آنجا، یک شـهر تقریباً نظامی و لشـگرگاه خلیفه بود. خلفای عباسی برای اینکه بتوانند این دو امام را به صورت کامل تحت مراقبت و نظارت داشته باشند، آنان را به سامرا منتقل کردند.

۶_۲. تفتیش خانه: با رحلت امام حسن عسکری علیه السلام و نماز خواندن امام مهدی علیه السلام بر جنازه پدر، فوراً از طرف خلیفه دستور تفتیش خانه صادر شد تا سپاهیان و مأموران آن حضرت را دستگیر کنند.

در این صورت آیا اختفا و غیبت برای حفظ جان، امری عجیب و ناپسند خواهد بود؟

۲_۲_۲. احادیث

اشاره

برای اثبات ولادت حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به احادیث عام ذیل که مورد قبول فریقین (شیعه و اهل سنت) است می توان استناد کرد.

حدیث من مات

در کتاب فریقین (شـیعه و عامه) روایت مشهور و معروفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که «مَن مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛

هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»(۱) این حدیث حاوی نکات مهمی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به صراحت بیان میکند هرکس امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا می رود. اطلاق کلام پیامبر، شامل همه مسلمین شده و مردم همه زمانها را در بر میگیرد. نکته لطیف اینکه حضرت از تعبیر «زمانه» استفاده کرده است و یعنی امام زمان خودش را باید بشناسد. پس باید در هر زمان امام زمان باشد.

پیامبر، مرگ کسی که امام زمانش را نشناسد مرگ جاهلی معرفی کرده است. مرگ جاهلی که همان مرگ کفر و ضلالت و گمراهی است به دنبال زندگی جاهلانه و در مسیر تباهی است، و سرانجام چنین مرگی کیفر و عذاب است. این نشان میدهد که امام زمان شخصیت و جایگاهی دارد که معرفت نداشتن به او مساوی با عدم ایمان و مرگ

۱- بحارالانوار، ج۳۲، ص۳۳۱،ح۳۱۷؛ صحیح بخاری، ج۵، ص۱۳؛ صحیح مسلم، ج۶، ص۲۱و۲۲.

زمان کفر و جاهلیت است.

افزون بر این، از کلام پیامبر به دست می‌آید که صرف شناختن و اطلاع داشتن کافی نیست؛ بلکه منظور از معرفت و شناخت این است که باید همراه امام زمان باشد زیرا معنای امام، پیشوایی و رهبری است، ولذا وظیفه دیگران تبعیت و پیروی از اوست.

از بیان بالا چنین استفاده میشود که طبق بیان پیامبر لازم است در هر زمان امام باشد تا مردم او را شناخته و پیروی از او نمایند، و این امام چنان شخصیت و جایگاهی دارد که معرفت نداشتن به او مرگ کفر وجاهلی را به دنبال دارد؟ به راستی آیا نتیجه نشناختن حاکمان ستمگر و جاهل میتواند مرگ جاهلی باشد؟ آیا عاقبت عدم معرفت نسبت به کسی که حاکم اجرایی دنیوی است و فضیلت و ویژگی خاصی ندارد میتواند مرگ کفر باشد؟

حدیث دوازده خلیفه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لایزال الدینُ قائِماً حَتّی تَقُومَ الساعَه اَو یکوُن عَلَیکُم اثنَتی عَشَرَ خَلیفهَ

کُلُّهُم مِن قُرَیش» دین اسلام برپا است تا قیامت و این که دوازده خلیفه برشما حکومت کنند که همه از قریش هستند.

روایات دوازده خلیفه به چند تعبیر آمده است: اثنی عشر خلیفه، اثنی عشر امیراً. در روایاتی که از جابر بن سمره نقل شده آمده: جابر قسمت پایانی کلام رسول خدا را نشنید و لذا درباره آن از پدر خود که در آنجا حاضر بود سؤال کرد و پدرش در پاسخ به او گفت: پیامبر فرمود: «کلهم من قریش». در حدیثی نیز آمده که آنان از بنی هاشم هستند.(۱)

سؤال: این دوازده نفر چه کسانی هستند؟

برای پاسخ باید توجه داشت که این دوازده نفر باید یک مذهب را در اصول و فروع که همان مذهب پیامبر است داشته باشند، زیرا دین و شریعت پیامبر یکی بوده و آنان جانشین پیامبر و حافظ همین دین میباشند.

با توجه به مطالب بالا، پاسخ شیعیان کاملاً

۱- ینابیع الموده، ج۲، ص۳۱۵، ش۹۰۸ و ج۳، ص ۲۹۰، ش۴.

روشن و شفاف است زیرا مراد از ۱۲نفر امام، حضرت علی و یازده فرزند او علیهم السلام میباشند که همان اهل بیت و عترت پیامبرند و مذهب آنها یکی است. این پاسخ را روایات دیگر مانند حدیث ثقلین و سفینه تأیید میکند.

اما عامه پاسخ مناسبی به این پرسش ندارند زیرا از یک سو امامت فرزندان امام علی علیه السلام را نمیپذیرند و از سوی دیگر با این واقعیت تاریخی مواجهاند که نه تعداد خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان، علی) و نه تعداد حکام بنی امیه یا بنی عباس مساوی عدد۱۲ نبود. از این رو ناچار شدند تا با بعضی توجیهات و حذف بدون دلیل برخی از حاکمان بنی امیه و بنی عباس به هر شکل عدد۱۲ را درست کنند، که تلاش و سعی آنان نتیجه قابل قبول نداشت. قندوزی حنفی میگوید: احادیثی که دلالت دارد جانشینان پیامبر ۱۲نفرند از راههای فراوانی نقل شده و به حد شهرت رسیده است و با گذشت زمان دانسته میشود مراد پیامبر از این سخن، امامان دوازده گانه از اهل بیت و عترت اویند. زیرا نمیتوان این حدیث را بر جانشینان پس

از او از صحابه حمل کرد چرا که تعداد آنها از دوازده نفر کمتر است، همچنین نمیتوان آن را برحکّام اموی تطبیق داد زیرا از دوازده نفر بیشترند و غیر از عمر بن عبدالعزیز همه آنان مرتکب ظلم آشکار بودند بعلاوه که اینان از بنی هاشم نیستند در حالی که پیامبر فرمود «آنان همگی از بنی هاشماند»...و نمیتوان آن ها را حکّام عباسی دانست زیرا تعداد آنان نیز دوازده نفر بیشتر است... پس راهی نیست جز اینکه بر امامان دوازده گانه از اهل بیت پیامبر حمل شود چرا که آنان داناترین، بزرگوارترین، باتقواترین مردم اهل زمان خود بودند و نَسَب آنان از همه برتر بود و در نزد خدا گرامی تر بودند... .(۱)

بعضی از منابع روایی عامه: صحیح بخاری، ج۸، ص۱۲۷_ صحیح مسلم، ج۶، کتاب الاماره، ص۳ _ سنن ترمذی، ج۳، ص۳۴۰، ش۲۳۲۳ _ سنن ابی داود، ج۲، ص۳۰۹، ش۴۲۷۹ _ مسند احمد بن حنبل، ج۵، ص۸۷ _ صواعق المحرقه، باب۱، فصل۳، ص۲۰.

۱- ینابیع الموده، ج۳، ص۲۹۲، ش۱۲.

حدیث ثقلین

حدیث مشهور ثقلین به طرق متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلمنقل شده است و از روایات به دست میآید که پیامبر این حدیث شریف را چند بار در مکانها و زمانهای مختلف بیان کردهاند مانند روز عرفه در حجهالوداع، روز غدیر خم، در ضمن خطبهای در مسجد النبی... هر چند در تعابیر حدیث تفاوتهایی وجود دارد ولی محور مشترک آنها دعوت مردم به پیروی از کتاب خدا و اهل بیت است. مفاد حدیث این است:

«اَنّی تارِکٌ فیکُم الثِقلین ما اِن تَمَسَّکتُم بَهِما لَن تَضِلّوا بَعدی اَحَدَهُما اَعظَم مِنَ الاخَروَ هُو کِتابُ الله حَبلٌ مَمدُود مِن السَّماء اِلَی الارض وَ عِترتی اَهلُ بَیتی لَن یفتَرِقا حَتّی یرِدا عَلَی الحَوض فَانظُروا کَیفَ تَخلُفُونی فی عَترَتی».

همانا من دو چیز گرانبها در میان شما میگذارم که اگر به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نمیشوید یکی از آنها عظیم تر و بزرگ تر از دیگری است و آن کتاب خدا است که ریسمان کشیده است از آسمان تا زمین و عترتم اهل بیتم. این دو هرگز از هم جدا

نمیشوند تا بر من کنار حوض وارد شوند پس ببینید چگونه اید مرا در عترتم (چگونه به جای من با آنها رفتار میکنید)؟(۱)

در این حدیث نکات زیبا و مهمی وجود دارد:

الف) همان گونه که کتاب خدا تا پایان دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا وجود دارد «لن یفترقا». ابن حجر از علمای عامه میگوید:

«و فی أحادیث الحث علی التمسک بأهل البیت اشارهٌ الی عدم انقطاع متأهلٍ منهم للتمسک به الی یوم القیامه، کما انَّ الکتاب العزیز کذلک. ولهذا کانوا اماناً لاهل الارض، ـ کما یأتی ـ و یشهد لذلک الخبر السابق (فی کل خلفٍ من امّتی عُدول من اهل بیتی)...

ثم احقّ من یتمسک به منهم اِمامهم و عالمهم علی بن ابی طالب (کرم الله وجه)، لما قدّمنا من مزید علمه و دقائق مستنبطاته و من ثم قال ابوبکر: علی عترهُ رسول الله ای

۱- بحارالانوار، ج۲۳، باب فضایل اهل بیت و اله(

الذین حث علی التمسک بهم. فخصّه لما قلنا...(۱)

در احادیث اصرار بر تمسک به اهل بیت، اشاره است به وجود پیوسته، کسی از آنان که برای تمسک اهلیت دارد تا قیامت، همانطور که قرآن چنین است. و از این روست که آنان سبب ایمنی برای ساکنان زمیناند. و حدیثی که میگوید: «در هر نسلی از امتم عدالت گستری از اهل بیتم وجود دارد» شاهد این مطلب است.

و سزاوارترین کس از میان ایشان برای تمسک، امام و عالم آنها علی بن ابیطالب است که علم فراوان و استنباطهای موشکافانه و دقیق دارد، و به همین خاطر ابوبکر گفته است: «علی عترت رسول خداست» یعنی از کسانی است که پیامبر خواسته مردمان به آنان متمسک شوند.

ب) همچنانکه قرآن حجت است و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند، همچنین باید

۱- صواعق المحرقه، ص۹، (به نقل فضائل الخمسه من الصحاح السنت، ج۲ ، صص۶_۵۵). و عبقات الانوار، ج۱_۲، صص۶۶_۶۶۵و۸۴_ ۶۸۳.

از اهل بیت پیروی کنند. پس اهل بیت تنها کسانی هستند که شایستگی رهبری و امامت و سرپرستی مردم را دارند.

ج) در قرآن هیچ خطا و اشتباهی راه ندارد. پیامبر اهل بیت را در کنار قرآن قرار داده و از مردم خواسته به هر دو تمسک کنند «ان تمسکتم بهما لن تضلوا» هیچ گاه به ضلالت و گمراهی نمیافتید. لازمه این سخن معصوم بودن اهل بیت است زیرا اگر اهل بیت خطا کند حتماً باعث ضلالت میشوند و بعلاوه با خطا کردن از قرآن جدا میشوند.

د) قرآن دریای بیکران و عمیق معرفت است. اتصال اهل بیت به قرآن وسعت علم و معرفت اهل بیت را بیان میکند. پس طبق این بیان باید تا آخر عمر دنیا از اهل بیت امام معصومی در کنار قرآن وجود داشته باشد تا مردم با تمسک به این دو از گمراهی نجات یابند.

اهل بیت چه کسانیاند؟

ــ اهل بیت کسانی اند که آیه تطهیر برای آنان نازل شد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِب عَنكمُ الرِّجْس أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

یُطَهِّرَکمْ تَطهِیراً»(۱) خداوند میخواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

و این آیه مسلماً زنان پیامبر را نمیگوید زیرا اولاً آیات قبل و بعد که پیرامون زنان پیامبر است همه با ضمیر «کن» است و لحن آیه در این قسمت «کم» است؛ و ثانیاً تاریخ شهادت میدهد که پیامبر تا مدتها وقتی به خانه حضرت علی و فاطمه علیها السلام میرسید این آیه را تلاوت میکرد: انّ رسول الله کان یمُرّ بباب فاطمه سته اشهر اِذا خَرَجَ الی صلاه الفجر یقول: الصلاه یا اهل البیت، «انما یرید الله...» همانا پیامبر شش ماه هنگامی که برای نماز صبح خارج میشد به در خانه فاطمه عبور میکرد و میگفت: نماز ای اهل بیت و آیه تطهیر را میخواند.(۲)

ـ اهل بیت کسانی هستند که در مباهله حضور داشتند: اخرج المسلم عن سعد بن وقاص قال لما نزلت

۱- احزاب/۳۳

۲- مستدرک حاکم، ج۳، ص۱۵۸؛ مسند احمد، ج۳، ص۲۵۹.

هـذه الآيه «ندع ابناءنا و ابناءکم»(۱) دعـا رسول الله علیاً و فاطمه و حسـناً و حسـیناً فقال اللهم هؤلاء اهلی. مسـلم نیشابوری (در کتاب صـحیح خود) از سـعد بن وقاص نقل می کند وقتی آیه «ندع ابناءنا...» نازل شد پیامبر علی و فاطمه و حسن و حسـین را فراخواند و فرمود: خدایا اینها اهل من هستند.(۲)

ـ اهل بیت کسانی هستند که حدیث کساء برای آنها بیان شده است.(۳)

بعضـی از منابع حـدیث ثقلین از عامه: مسـتدرک حاکم، ج۳، ص ۱۱۰ ـ کنزل العمـال، ج ۱، ص۱۸۶، ش۹۴۶ـ معجم الکبیر، ج۳، ص۶۶، ش۲۲۸ ـ سنن دارمی، ج۲، ص۴۳۲ ـ مسند احمد، ج۴، ص۳۶۷ ـ صحیح مسلم، ج۷، ص۱۲۳ ـ سنن الکبری، ج۲، ص۱۴۸ ـ جامع الصغیر، ج ۱، ص۲۴۴، ش۱۶۰۸ ـ

۱- آل عمران/۶۱

۲- صواعق المحرقه، الباب التاسع، ص۱۲۱.

۳- صحیح مسلم، ج۷، ص۱۳۰؛ صواعق المحرقه، الباب الحادی عشر، فصل ۱۱، ص۱۴۳.

تفسیر ابن کثیر، ج۳، ص۴۹۴ ـ سیر اعلام النبلاء، ج۹، ص۳۶۶.

در کنـار این دسـته از روایـات، احـادیث دیگری از وجود مقـدس معصومین علیهم السـلام در رابطه با امام مهـدی علیه السـلام صادر شده و به پدر و نسب ایشان اشاره شده است.

عبـدالله بن عبـاس نقـل می کنـد پیامبر فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً فَاخْتَارَنِی مِنْهَا فَجَعَلَنِی نَبِیّاً ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّانِیَهَ فَاخْتَارَ مِنْهَا عَلِیّاً فَجَعَلَهُ إِمَاماً ثُمَّ أَمَرَنِی أَنْ أَتَّخِذَهُ أَخاً وَ وَلِیّاً وَ وَصِیّاً وَ خَلِیفَهً وَ وَزِیراً فَعَلِیٌّ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ عَلِیٍّ وَ هُوَ زَوْجُ ابْنَتِی وَ أَبُو سِبْطَیَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی جَعَلَنِی وَ إِیَّاهُمْ حُجَجاً عَلَی عِبَادِهِ وَ جَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ أَئِمَّهً یَقُومُونَ بِأَمْرِی وَ یَحْفَظُونَ وَصِیَّتِی التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَیْتِی وَ مَهْدِیُّ أُمَّتِی أَشْبَهُ النَّاسِ بی فِی شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ یَظْهَرُ بَعْدَ غَیْبَهٍ طَوِیلَهٍ وَ حَیْرَهٍ مُضِلَّهٍ فَیُعْلِنُ أَمْرَ اللَّهِ وَ یُظْهِرُ دِینَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ یُؤَیَّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ یَنْصُرُ بِمَلَائِکهِ اللَّهِ فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما؛

براستی خدای تبارک و تعالی یک نظری بزمین انداخت و مرا انتخاب کرد و پیامبر قرار داد، سپس نظری دیگر انداخت و علی را انتخاب کرد و امام قرار داد، سپس به من دستور داد که او را برادر و دوست و وصی و خلیفه و وزیر خود سازم، علی از من است و من از علی، او شوهر دختر و پدر دو نوه ام حسن و حسین است، بدرستی که خدای تبارک و تعالی مرا با آنها حجت بر بندگان خود ساخته و از نسل حسین امامانی نصب کرده که قیام به امر من کنند و وصیت مرا نگهدارند، نهمین آنان قائم اهل بیت من است و مهدی امت من، به من از همه مردم در شمائل و گفتار و کردارش شبیه تر است، بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده آشکار شود تا امر خدا را اعلان کند و دین خدای جل و عز را ظاهر نماید، به یاری خدا تأیید شود و به ملائکه خدا یاری گردد و زمین را پر از عدل و داد کند.(۱)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۵۷، ح۲.

۲_۲_۳. دیدگاه علما و صاحبان رأی

همه بزرگـان و اندیشـمندان شـیعه، وجود مقـدس حضـرت را پـذیرفته و به آن اعتراف دارنـد. برخی از علمای عامّه نیز در این مورد مطالبی بیان کرده انـد؛ ماننـد: محمـدبن طلحه حلبی شافعی در مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، (ص ۸۸)، محمدبن یوسف کنجی شـافعی در البیـان فی اخبار صاحب الزمان، (ص ۳۳۶)، محمد بن احمد مالکی معروف به ابن صـباغ در الفصول المهمه، (ص ۲۷۳)، سـبط ابن جوزی حنفی در تـذکره الخواص، (ص ۳۶۳)، احمـدبن حجر هیثمی مکی در صواعق المحرقه، (ص ۱۲۷) و....

۲_۳. محل زندگی

با توجه به جوّ حاکم بر جامعه که از طرف خلفای عباسی ایجاد شده بود و آنان به دنبال قتل آخرین خلیفه خدا و منهدم کننده کـاخ های ظلم و سـتم بودنـد؛ لـذا یکی از وظایف اساسـی امام حسن عسـکری علیه السـلام ، حفظ جان حضـرت مهـدی علیه السلام بود. از مدارک تاریخی و روایی استفاده می شود که امام علیه السلام فرزند خویش

را مدّتی در سامرا و مدتی در مدینه تحت سرپرستی مادر گرامی اش «حدیث»، همسر بزرگوار امام هادی علیه السلام حفظ و نگهداری کرد.(۱)

۲_۴. معرّفی امام به شیعیان

به علت پنهانی بودن امر ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی دیگر از وظایف مهم امام حسن عسکری علیه السلام معرّفی آن حضرت به شیعیان بود تا آنان ضمن دیدار با او و شناخت آخرین حجت خدا، بتوانند خبر ولادت را در اختیار دیگران قرار دهند و بدین ترتیب جامعه شیعه، دچار اشتباه و انحراف نگردد.

شناخت جانشین هر امام در نزد شیعیان _ به خصوص بزرگان شیعه _ امری بسیار مهم بود؛ از این رو اصحاب بر اساس وظیفه، این سؤال را از امام عصر خود می پرسیدند که امام و جانشین پس از شما کیست؟ تا هم شناخت بیشتری از دوازده امام داشته باشند و هم اگر برای امام حادثه ای رخ داد و ایشان به شهادت رسید، آنان بدانند باید به چه کسی رجوع

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: تاریخ سیاسی امام دوازدهم، جاسم حسین؛ پیدای پنهان، مسعود پورسیدآقایی.

کنند. این مطلب در رابطه با اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نیز جاری بود که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

«احمدبن اسحاق ــ از علما و بزرگان شیعه و یکی از اصحاب با وفای امام یازدهم ــ می گوید:

خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و می خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. ولی قبل از آنکه حرفی بزنم، امام آغاز سخن کرد و فرمود: «یا احمد بن اسحاق! ان اللّه تبارك و تعالی لم یخل الارض منذ خلق آدم علیه السلام و لایخلیها الی ان تقوم الساعه من حجه اللّه علی خلقه، به یدفع البلاء عن اهل الارض و به ینزل الغیث و به یخرج برکات الارض»؛ «ای احمدبن اسحاق! خدای تعالی از زمانی که آدم را خلق کرد زمین را خالی از حجت نگذاشت و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نمی گذارد، به واسطه او بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر او باران نازل می کند و برکات زمین را خارج می سازد».

احمدبن اسحاق می گوید: پس من گفتم:ای پسر رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟ پس حضرت با شتاب برخاست و

داخـل خانه شـد و سـپس برگشت در حالی که بر روی شانه اش کودکی سه ساله بود که صورتش ماننـد ماه شب چهارده می درخشید. پس حضرت فرمود:

«یـا احمـد بن اسـحاق! لولاـ کرامتـک علی اللّه عزوجل و علی حججه ما عرضت علیك ابنی هـذا، انه سـمی رسول اللّه و کنیّه، الذی یملأ الارض قسطاً و عدلا کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ «ای احمدبن اسحاق! اگر نزد خدای عزوجل و حجت های او گرامی نبودی، این فرزند را به تو نشان نمی دادم. همانا او هم نام و هم کنیه رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم است و کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

«یا احمـد بن اسحاق! مثله فی هـذه الامه مثل خضـر، و مثله مثل ذی القرنین، واللّه لیغیبنّ غیبه لاینجو فیها من الهلکه الاّ من ثبّته اللّه عزوجل علی القول بامامته و وفّقه [فیها] بتعجیل فرجه»؛ «ای احمدبن اسحاق! او در این امت، مانند خضـر علیه السلام و ذی القرنین است. او غیبتی طولانی خواهد داشت

که کسی در آن از هلاکت نجات پیدا نمی کند، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و [در دعا] به تعجیل فرج او موفق سازد».

احمدبن اسحاق می گوید: پس عرض کردم:ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟ [در این هنگام] آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن در آمد و فرمود:

«انا بقیه اللّه فی ارضه و المنتقم من اعدائه، فلا تطلب أثراً بعد عین یا احمدبن اسحاق»؛ «من بقیه اللّه [و ذخیره خداوند] در زمین هستم و از دشمنان او انتقام می گیرم.ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده و دیدن با چشم به دنبال نشانه نباش».

احمدبن اسحاق می گوید: پس شاد و خرّم بیرون شدم....(۱)

این گونه دیدارها گاه به صورت فردی و برای یک نفر اتفاق می افتاد (مانند دیدار

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۳۸، ح ۱.

احمدبن اسحاق اشعری قمّی) و گاه به صورت دسته جمعی و برای تعدادی از اصحاب و دوستداران. صدوق قدس سرّه یکی از دیدارهای جمعی را چنین نقل می کند: «معاویه بن حکیم، محمدبن ایوب و محمدبن عثمان عمری گویند: ما چهل نفر در منزل امام حسن عسکری علیه السلام بودیم و او فرزندش را به ما نشان داد و فرمود:

«هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم، اطیعوه و لاتتفرقوا من بعدی فی ادیانکم فتهلکوا، اما انکم لاترونه بعد یومکم هذا»؛ «این امام شما پس از من و خلیفه و جانشین من بر شماست، از او اطاعت کنید، و پس از من در دین خود متفرق نشوید که هلاک خواهید شد، بدانید که بعد از این او را نخواهید دید».

آنان گویند: «از حضورش بیرون آمدیم و پس از چند روز امام حسن علیه السلام از دنیا رفت».(۱)

پس یکی از مباحث مهم در دوران پنهان زیستی این بود که امام حسن عسکری علیه السلام

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۴۳، ح ۲.

فرزند بزرگوار خویش حضرت مهدی علیه السلام را به برخی افراد نشان می داد تا ضمن اعلام ولادت ایشان، شیعیان با امام زمان علیه السلام آشنا شده و از وجودشان بهره گیرند. به علاوه این دیدارها، اطمینان قلب بالایی در افراد ایجاد می کرد.

۲_۵. فعالیت های حضرت

اشاره

از فرازهای دلنشین زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برنامه ها و فعالیت هایی است که آن وجود مقدس، در دوران کودکی و روزگاری که در خدمت پدر بزرگوارش بود، انجام داده است. این بخش از زندگی ایشان گاهی مورد غفلت واقع می شود.

توجه به این نکته مناسب است که انجام این اقدامات، توانایی و لیاقت آن بزرگوار برای تصدّی مقام امامت و جانشینی پدر حتی در زمان کودکی ــ را برای مردم اثبات می کند.

۲_۵_۱. پاسخ گویی به سؤالات علمی

یکی از زوایای زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوران پنهان زیستی، پاسخ به پرسش های علمی و نیازهای معرفتی ارادتمندان و شیعیان آن حضرت بود. پاسخ گویی چون

همراه با دیدار بود، باعث اعلام ولادت ایشان شده و از طرفی مخاطبان و شیعیان آن بزرگوار با پاسخ های عالمانه آن حضرت، ضمن شناخت بیشتر، اطمینان زیادتری به توان امامت آن بزرگوار پیدا می کردند. به عبارت دیگر امام حسن عسکری علیه السلام با فراهم آوردن چنین ملاقات ها و گفت و گوها، به شیعیان و مردم ثابت می کردند که امامت ارتباطی با بزرگی و کوچکی انسان ندارد و خداوند این قدرت را دارد که توان امامت را در یک کودک قرار دهد؛ چنانچه نبوت را برای یک کودک قرار داد.(۱)

«سعدبن عبداللّه قمی می گوید: من شوق زیادی به گردآوری کتاب هایی داشتم که مشتمل بر علوم مشکل و دقایق آنها باشد. در کشف حقایق از این کتاب ها تلاش می کردم و طالب حفظ موارد اشتباه و نامفهوم آنها بودم.

۱- خداوند در مورد نبوت حضرت عیسی و یحیی به این مطلب اشاره دارد: (و آتیناه الحکم صبیّا)؛ «حکم نبوت را به او [یحیی] دادیم در حالی که کودک بود». (مریم(۱۹)، آیه ۱۲)

در زمـانی بـا یکی از مخالفان در مـذهبم (امامیه)، به گفت و گو و مناظره پرداختم و در مسأله ای از جواب و پاسـخ گویی باز مانـدم. بسـیار ناراحت شدم. قبل از این طوماری تهیه کرده بودم و در آن چهل مسأله دشوار را نوشـته بودم که پاسخ آنها را از عالم بزرگ شهر خود احمدبن اسحاق _ مصاحب و یاور امام حسن عسکری علیه السلام _ بپرسم. به دنبال او رفتم، او به قصد سرّ من رأی (سامرا) و برای شـرفیابی حضور امام حسن عسـکری علیه السلام از قم بیرون رفته بود. در بین راه در یکی از منازل به او رسـیدم و با او مصافحه کردم. گفت: خیر است. گفتم: اولا مشتاق دیدار شما بودم و ثانیاً طبق معمول پرسش هایی از شما دارم. گفت: من هم مشتـاق ملاقات مولایم ابومحمد علیه السـلام هستم و می خواهم سؤالاتی از ایشان پرسش کنم، این رفاقت میمون و مبارک است.

سعـد گویـد: بعـد از آن بـاهم به سـامرا وارد شـدیم و به خـانه مولایمـان رسـیدیم و اجازه خواستیم. من نمی توانم مولای خود ابومحمد علیه السلام را در آن لحظه که دیدار کردم و

نور سیمایش ما را فراگرفته بود، به چیزی جز «ماه شب چهارده» تشبیه کنم. بر زانوی راست آن حضرت پسری نشسته بود که در خلقت و منظر، مانند ستاره مشتری بود...

پس امام حسن علیه السلام به من نظر کرد و فرمود:ای سعد! تو برای چه آمدی؟ عرض کردم: احمدبن اسحاق مرا به دیدار مولایمان تشویق کرد. ایشان فرمود: سؤال هایی که می خواستی بپرسی. گفتم:ای مولای من! آن مسائل نیز بر حال خود است. فرمود: از نور چشم من بپرس [پس سعد پرسش های خود را از حضرت می پرسد].

از جمله آن سؤالات، گفتم:ای مولای من! علّت چیست که مردم از برگزیدن امام برای خویشتن ممنوع شده اند؟ فرمود: امام مصلح بر می گزینند یا امام مفسد؟ گفتم: امام مصلح. فرمود: آیا امکان ندارد که برگزیده آنها مفسد باشد؟ چون کسی از درون دیگری مطّلع نیست که صالح است یا فاسد. گفتم: آری امکان دارد. فرمود: علت همین است».(۱)

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۴۳، ح ۲۱.

۲_۵_۲. تبیین معارف

«معارف دین» پایه و اساس اعمال و رفتار روحی (اخلاق) و جسمی (احکام و اعمال) است؛ از این رو پیشوایان دین بر مبنای وظیفه الهی خود، تلاش فراوانی می کردند تا معارف به صورت صحیح و کامل، در اختیار رهروان طریق سعادت قرار گیرد. امام زمان علیه السلام از همان دوران کودکی به این مهم اقدام کرد.

صدوق قدس سرّه از شخصی به نام ابونصر طریف(۱) نقل می کند: بر صاحب الزمان علیه السلام وارد شدم. حضرت فرمود: آیا مرا می شناسی؟ عرض کردم: آری. فرمود: من کیستم؟ گفتم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. فرمود: از این نپرسیدم. گفتم: فدای شما شوم برایم بیان کنید. فرمود:«انا خاتم الاوصیاء، و بی یدفع اللّه عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی»؛(۲) «من آخرینِ اوصیا هستم و خدا به واسطه من بلا را از اهلم و شیعیانم دفع می کند».

۱- گویا ایشان در خانه امام حسن عسکری(خدمت می کرده است.

۲- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۲.

امام علیه السلام در این بیان لطیف به روشنی بیان می کند که وظیفه یک شیعه و سالک راه حق، تنها شناخت شناسنامه ای یک امام و نَسَب او نیست؛ بلکه باید به جایگاه او در عالم هستی معرفت پیدا کند. شناخت شخصیت و حقیقت مقام امام بیشترین و اساسی ترین کمک را به انسان می کند و به راستی زیارت «جامعه کبیره» که از امام هادی علیه السلام نقل شده یکی از بهترین و کامل ترین گنج های معرفتی و امام شناسی شیعه است.

۲_۵_۳. رسیدگی به هدایا و وجوهات

یکی از برنامه های مهم دین مقدس اسلام، توجه به مسائل اقتصادی و مالی است و یکی از موارد مالی، وجوهاتی است که خداوند با عنوان خمس و زکات آن را واجب کرده و سرپرستی این اموال و وجوهات را به عهده امام گذاشته است. امام با دریافت این وجوهات و سایر هدایا، برای پیشبرد برنامه های مختلف دینی برنامه ریزی کرده و آنها را در مواردی لازم و مورد رضایت خدا، مصرف می کند.

امام مهدی علیه السلام در همان ایام کودکی با

رسیدگی موردی به این گونه اموال، علاوه بر اثبات ولادت، نقش امامت و جانشینی پدر را نیز برای خویش مطرح می کرد.

شیخ صدوق قدس سرّه در روایتی از سعدبن عبداللّه قمی نقل می کند:

«هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام از نوشتن نامه فارغ شد، احمدبن اسحاق انبانش(۱) را از زیر عبا بیرون آورد و مقابل امام علیه السلام قرار داد. امام به کودکی [که کنارش بود] نگریست و فرمود: پسرجان! هدایای شیعیان و دوستانت را باز کن. کودک گفت:ای مولای من! آیا رواست دست پاک [خود] را به هدایای ناپاک و اموال پلیدی که حلال و حرام آن به یکدیگر آمیخته است، دراز کنم؟ امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:ای ابن اسحاق! آنچه در انبان است بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند.

چون احمد اولین کیسه را بیرون آورد، کودک گفت: این کیسه از فلان شخص از

۱- کیسه ای نسبتاً بزرگ که در قدیم اشیاء خود را در آن می گذاشتند.

فلان محله قم است (و نام او و نام محله را فرمود). در آن ۶۲ دینار است که ۴۵ دینار آن مربوط به بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود ارث برده است و چهارده دینار آن مربوط به بهای نه جامه و سه دینار آن مربوط به اجاره دکان ها است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: پسر جان! راست گفتی، اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام حرام است. کودک با دقت تمام سکه های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودن آنها را به روشنی بیان فرمود. سپس احمدبن اسحاق کیسه دیگری در آورد. آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن، فرمود: در آن کیسه پنجاه دینار است که دست زدن بدان برای ما روا نیست. احمد پرسید: برای چه؟ فرمود: برای آنکه آن دینارها از بهای گندمی است که صاحبش بر زارع خود در تقسیم آن ستم کرده است؛ زیرا سهم خود را با پیمانه تمام برداشته؛ اما سهم زارع را با پیمانه ناتمام داده است. امام حسن علیه السلام فرمود: پسر جانم راست گفتی. سپس به احمدبن اسحاق فرمود: همه را بردار و به

صاحبشان برگردان و یا سفارش کن به صاحبانش برگردانند که ما را در آن حاجتی نیست...».(۱)

۲_۶. شهادت پدر

اشاره

آخرین فراز از زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوران پنهان زیستی، مسأله رحلت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام است. این بخش، خود در بردارنده نکات و مطالبی است که به دو مورد از آن اشاره می شود:

۲_۶_۱. نماز بر جنازه پدر

رحلت پدر حادثه ای تلخ و جانگداز در زندگی هر فرزند است. حال اگر پدر، امام حسن علیه السلام و فرزند، مهدی موعود علیه السلام باشد، مسأله دردناک تر و مشکل تر خواهد بود!

«ابوالادیان گوید: من خدمتکار امام حسن علیه السلام بودم و نامه های او را به شهرها می بردم. [امام] در آن بیماری که منجر به فوت ایشان شد، نامه هایی نوشت و فرمود: آنها را به مدائن برسان، چهارده روز [این سفر

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۴۳، ح ۲۱.

طول می کشـد و تو] اینجا نخواهی بود و روز پانزدهم وارد سامرا می شوی و از خانه من صـدای واویلا می شـنوی و [بدن] مرا در محلّ غسل می یابی. عرض کردم:ای سـرور من! چون چنین روی دهد امام و جانشـین شما که خواهد بود؟ فرمود: هر کس پاسـخ نـامه های مرا از تو بخواهـد، او قائم بعـد از من خواهـد بود. گفتم: نشانه دیگری بفرماییـد. فرمود: کسـی که بر من نماز بخواند، قائم پس از من خواهد بود. گفتم: نشانه دیگری بفرمایید، فرمود: کسـی که از آنچه در کیسه است خبر دهد، امام پس از من خواهد بود.

هیبت و عظمت امام مانع شد که از امام بپرسم در آن کیسه چیست؟

نـامه هـا را به مـدائن بردم و جواب آنهـا را گرفتم و همان گونه که فرموده بود، روز پانزدهم به سامرا وارد شـدم و در آن حال فریاد ناله و افغان از سـرای آن حضرت شنیدم. [بدن] امام حسن علیه السلام را در محل غسل یافتم و برادرش جعفر را دیدم که بر در خانه امام ایستاده است و جمعی از شیعیان، وی را به مرگ برادر تسلیت و بر امامت تبریک

می گوینـد! بـا خود گفتم: اگر این (جعفر) امـام است که امـامت باطل و تباه می شود؛ زیرا او را می شـناختم که اهل شـراب و قمـار بازی و تار زنی است. [از آنجایی که در پی نشانه ها بودم،] پیش رفتم و [ماننـد دیگران] تبریک و تسـلیت گفتم؛ ولی او [جعفر] از من چیزی نپرسـید. در آن حـال عقیـد (یکی از خـدمتکاران از خـانه) بیرون آمـد و [خطاب به جعفر] گفت:ای آقای من! برادرت کفن شده است، برخیز و بر وی نماز گزار. جعفر داخل شد و برخی شیعیان همراه او بودند.

چـون داخـل شـدیم، امـام حسـن علیه السـلام را کفن شـده بر تـابوت دیـدم. جعفر پیش رفت تـا بر برادرش نمـاز گزارد چـون خواست تکـبیر بگویـد، کودکی گنـدم گون بـا گیسوانی مجعّـد و دنـدان هـای پیوسـته، بیرون آمـد و لبـاس جعفر را گرفت و فرمود:ای عمو! عقب برو که من بر نمازگزاردن بر پدرم سزاوارترم.

جعفر با چهره ای رنگ پریـده و زرد عقب رفت، آن کودک پیش آمـد و بر بدن امام علیه السـلام نماز گزارد و پس از آن [به من] فرمود: جواب نامه هایی که به همراه داری به من بده،

نامه ها را به او دادم. با خود گفتم: این دو نشانه [از نشانه های امامت این کودک است] و جریان کیسه باقی مانده است.

[ابوالادیان ادامه می دهد:] ما نشسته بودیم که گروهی از قم آمدند و از امام حسن عسکری علیه السلام سراغ گرفتند، چون از شهادت ایشان با خبر شدند، گفتند: به چه کسی تسلیت بگوییم؟ مردم به جعفر اشاره کردند! آنان بر او سلام کرده و تسلیت و تبریک گفتند. سپس خطاب به جعفر گفتند: همراه ما نامه ها و اموالی است. بگو نامه ها از کیست؟ و اموال چقدر است؟

جعفر در حالی که لباس خود را تکان می داد، برخاست و [بر آشفته] گفت: آیا از ما علم غیب می خواهید؟ در این حال خدمتکاری [از اندرون] بیرون آمد و گفت: نامه های فلانی و فلانی همراه شما است (و نام و نشانی صاحبان نامه ها را گفت) و نیز کیسه ای با شما است که در آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است. آنان نامه ها و اموال را به او دادند و گفتند: آن که تو را برای

گرفتن اینها فرستاده همو امام است...».(۱)

این قسمت حاوی مطالبی است:

۱. امام زمان علیه السلام با حضور در جمع عمومی و نشان دادن خویش، وجود خود را مطرح و ثابت کرد. به نظر می آید این دیدار تنها دیدار عمومی حضرت با مردم تا زمان ظهور باشد.

۲. امام با نماز خواندن بر جنازه پدر بزرگوارش، امامت خود را ثابت و عدم صلاحیت جعفر را برای این مقام، بر همه آشکار کرد.

۳. حضرت در برخورد با ابوالادیان و دادن نشانه ها، به برخی از ویژگی های یک امام (احاطه بر امور غیبی به اذن خدا) اشاره و امامت خویش را از این طریق مطرح فرمود.

در مورد جریان مسافران قمّی در قسمت دوم توضیحاتی ارائه خواهد شد.

۲_۶_۲. برخورد با نمایندگان مردم

با وسعت قلمرو اسلام، افراد مختلفی در شهرها با اهل بیت علیهم السلام آشنا شده و ولایت و

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۴۳، ح ۲۵.

امامت آنان را پذیرفتند. اینان با توجه به بُعد مسافت و مشکلات سیاسی و حکومتی و برخی مشکلات دیگر، نمی توانستند خدمت امام زمان خویش مشرّف شوند و از محضر او بهره گیرند. از این رو وجوهات و نامه های خود را از طریق نمایندگان و وکیلان، خدمت امام ارائه می کردند. نمایندگان با حضور نزد امام و تحویل امانات، سخنان و سفارش های او و احیاناً اتفاقاتی ویژه که برای آنان به وجود می آمد و برای حفظ و تحکیم عقیده و مکتب آنان مفید بود، برای مردم شهر خود به ارمغان می بردند.

از جمله این افراد و حوادث مربوط به آن، جریان نمایندگان مردم قم است که صدوق قدس سرّه چنین بازگو می کند: «علی بن سنان موصلی از قول پدرش می گوید: چون آقای ما ابومحمد حسن بن علی عسکری علیه السلام از دنیا رفت، از قم و بلاد کوهستان، نمایندگانی ـ که معمولاـ وجوهات و اموال را می آوردند ـ وارد سامرا شدند و از درگذشت امام حسن علیه السلام آگاهی نداشتند. چون از رحلت امام با خبر شدند، از وارث ایشان پرسیدند؛ جعفر برادر امام را به

آنان معرفی کردنـد. آنها درباره جعفر پرس و جو کردنـد؛ به آنان گفتنـد: او برای تفریح بیرون رفته و سوار قایقی شده است و شراب می نوشد و همراه او خوانندگانی نیز هستند. آنان با یکدیگر مشورت کرده، گفتند: اینها از اوصاف امام نیست. گروهی پیشـنهاد دادند: باز گردیم و اموال را به صاحبانش برگردانیم. یکی از آنان به نام ابوالعباس محمدبن جعفر حمیری قمی گفت: بمانید تا او بازگردد و به درستی او را بیازماییم.

چون جعفر بازگشت، به حضور او رفته و سـلام کردنـد و گفتنـد:ای آقای ما! ما اهل قم هستیم و گروهی از شـیعیان و عده ای دیگر همراه مـا هسـتند. مـا نزد آقـای خود امام حسن عسـکری علیه السـلام اموالی را می آوردیم. جعفر پرسـید: آن اموال کجا اسـت؟ گفتنـد: همراه مـا اسـت. گفت: آنهـا را نزد من بیاوریـد. گفتنـد: این امـوال داسـتان جـالب و خاصـی دارد. پرسـید: آن چیست؟ گفتنـد: از عموم شـیعیان یک دینار و دو دینار گردآوری می شود، سـپس همه را در کیسه ای می ریزنـد و بر آن مهر نهند. وقتی این اموال را نزد امام حسن علیه السلام می آوردیم، تعداد

دینارها و نشانی ها و نام صاحبان آنها و نقش مهرها را می فرمود. جعفر گفت: دروغ می گویید، شما به برادرم چیزی را نسبت می دهید که انجام نمی داد! این علم غیب است و کسی جز خدا آن را نمی داند.

وقتی آنـان کلام جعفر را شـنیدند، به یکـدیگر نگریسـتند و گفتنـد: ما گروهی اجیر و وکیل صاحبان این اموال هستیم و آن را تسلیم نمی کنیم؛ مگر به همان نشانه هایی که از آقای خود امام حسن عسکری علیه السلام می دانیم. اگر تو امامی بر ما روشن کن و گرنه آن را به صاحبانش بر می گردانیم تا هر کاری که صلاح می دانند، بکنند.

جعفر به نزد خلیفه در سامرا رفت و علیه آنان سـخن گفت. خلیفه آنان را احضار کرد و گفت: آن مال را به جعفر تسلیم کنید. گفتند: خدا [امر] خلیفه را به صـلاح آورد، ما گروهی اجیر و وکیل این اموال هستیم و آنها سپرده مردمانی هستند و به ما گفته انـد: که آن را جز با علامت و نشانه به کسـی نـدهیم و در ارتباط با ابومحمد حسن بن علی علیه السـلام نیز همین روش جاری بود. خلیفه پرسید: چه علامتی با او

داشتید؟ گفتند: او از مقدار دینارها و صاحبانش خبر می داد و چون چنین می کرد، آنها را به او می سپردیم. ما همواره به نزد او می آمدیم و این علامت و نشانه ما بود و اکنون که او در گذشته است، اگر این مرد صاحب الامر است. باید همان کاری که برادرش انجام می داد انجام دهد؛ و گرنه آن اموال را به صاحبانش بر می گردانیم. جعفر گفت:ای امیرالمؤمنین! اینان مردمی دروغگو بوده و بر برادرم دروغ می بندند و این علم غیب است! خلیفه گفت: اینها فرستاده و مأمورند و بر رسول چیزی نیست، مگر رساندن. جعفر مبهوت شد و نتوانست پاسخی دهد.

وقتی آنان از شهر خارج شدند، غلامی به طرف آنها رفت و گفت:ای فلان پسر فلان و ای فلان پسر فلان! مولای خود را اجابت کنید. پرسیدند: آیا تو مولای ما هستی؟ گفت: معاذاللّه! من بنده مولای شما هستم، نزد او بیایید. آنان گویند: همراه او رفتیم تا به خانه مولایمان امام حسن بن علی علیه السلام وارد شدیم؛ ناگاه فرزند بزرگوارش آقای خود، قائم علیه السلام را دیدیم که بر تختی نشسته و مانند پاره ماه

می درخشد و جامه ای سبز پوشیده است. بر او سلام کردیم و پاسخ ما را داد.

سپس بیـان فرمود که اموال چنـد دینـار است و از چه افرادی است؛ آن گاه به وصف لباس ها و اثاثیه و چهارپایان پرداخت. ما برای خدا به سـجده افتادیم که امام ما را به ما معرّفی کرد. هر سؤالی که خواستیم، از او پرسـیدیم و او پاسخ داد. آن گاه اموال را نزد او نهـادیم و قـائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرمود: بعـد از این مالی را به سامرا نبریم و فردی را در بغـداد نصب می کند که اموال را دریافت کند و توقیعات از نزد او خارج شود.(۱)

ممکن است گروه قمی ها در این روایت، همان گروهی باشند که در روایت ابوالادیان بیان شده، البته تفاوت نقل ضرری برای برداشت های ما از این واقعه ندارد، چرا که اصل آن واقعه اتفاق افتاده است. اما نکاتی از این قضیه برداشت می شود:

۱. با توجه به مسائل سیاسی در سطح جامعه، دوستان و شیعیان فراگرفته بودند که برای اعتماد کردن به کسی، باید از او

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ب ۴۳، ح ۲۶.

نشانه های محکم داشته باشند.

۲. شرایط به هر گونه ای باشد، انسان نباید وظیفه خود را فراموش کند؛ همان گونه که اهل قم به وظایف مالی خود در آن شرایط خفقان عمل می کردند.

۳. نماینده باید بر اساس وظیفه خود عمل کند و جوّ حاکم او را نگیرد. همچنین باید کار را به درستی تمام کند. نمایندگان قمی تحت تأثیر جعفر و خلیفه قرار نگرفتند و بنا داشتند اگر نتوانند مال را به امام بدهند، به صاحبانش باز گردانند.

۴. امام و رهبر، یاوران و پیروان خود را تحت هیچ شرایطی رها نمی کند؛ بلکه سرپرستی و اداره آنان را به عهده دارد و در موقع نیاز، به صورت های مختلف آنها را یاری و مدد می رساند.

۵. اگر شیوه ارتباط پیروان با امام تغییر یابد، شیوه جدید مشخص می شود تا پیروان دچار مشکل نشوند، خود آن حضرت با اعلام تغییر برنامه، برنامه جدید (رجوع به نایب خاص) را بیان کرد.

سئوال های تستی

۱. نام و کنیه حضرت امام زمان(عج) همنام چه معصومی است؟

الف) حضرت امام صادق(ع)

ب) حضرت امام محمد باقر(ع)

ج) حضرت امام حسن عسکری(ع)

د) حضرت محمد مصطفی (ص)

۲. «بقیه الله» از القاب حضرت ولیعصر(عج) بیانگر چه معنائی است؟

الف) هدایت شده خداوند

ب) ذخیره خداوند

ج) واسطه فیض خداوند

د) همه موارد

۳. چرا حضرت ولیعصر(عج) را «صاحب الامر» می نامند؟

الف) زیرا امر ولایت از آن اوست

ب) زیرا واسطه فیض خداوند به مردم است

ج) چون امر حاکمیت از آن اوست

د) الف و ج

۴. امام مهدی(عج) شبیه ترین مردم به کدام یک از حجت های خدای متعال است.

الف) حضرت پیامبر اعظم(ص)

ب) حضرت امام حسین(ع)

ج) حضرت امام حسن(ع)

د) حضرت امام حسن عسکری(ع)

۵. زادگاه امام مهدی(عج) در کجا می باشد؟

الف) مکه معظمه

ب) مدینه منوّره

ج) سامرّا

د) نجف اشرف

۶. دوره غیبت صغری تا چه محدوده زمانی می باشد؟

الف) از سال ۳۲۹هـ. ق تا ۶۲۰

ب) از سال ۲۶۰ هـ.ق تا ۲۳۹

ج) ۶۲۰-۹۳۲ هـ.ق

د) ۲۶۰-۳۲۹ هـ.ق

۷. از موارد ذیل کدام گزینه به ترتیب، بیانگر سفیران و نایبان خاص امام عصر(عج) می باشد.

الف) عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، محمدبن عثمان بن سعید عمری، علی بن محمد سمری

ب) عثان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمری

ج) عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، علی بن محمد سمری، حسین بن روح نوبختی

د) عثمان بن سعید عمری، علی بن محمد سمری، حسین بن روح نوبختی، محمد بن عثمان بن سعید عمری

۸. ولادت حضرت خاتم الاوصیاء به ولادت کدام یک از انبیاء شباهت دارد؟

الف) حضرت عیسی نبی(ص)

ب) یحیی نبی(ص)

ج) موسی نبی(ص)

د) هیچکدام(ص)

۹. از موارد ذیل کدام گزینه در اثبات ولادت حضرت امام مهدی(عج) صحیح می باشد.

الف) تصریح امام حسن عسکری(ع) به ولادت

ب) شهادت حکیمه خاتون(ص)

ج) وجود وکیلان و نایبان خاص

د) همه موارد

۱۰. کثرت سؤالات بزرگان شیعه از امام حسن عسکری(ع) نسبت به جانشین آن حضرت به چه جهت بود؟

الف) به جهت شناخت امام دوازدهم

ب) به جهت اطمینان از ولادت امام دوازدهم

ج) به جهت کسب فضائل و بهره مندی

د) همه موارد

۱۱. از موارد ذیل کدام مورد از فعالیت های حضرت امام مهدی(عج) در دوران کودکی است؟

الف) پاسخ به نیازهای علمی

ب) تبیین معارف دین

ج) رسیدگی به هدایا و وجوهات

د) همه موارد

۱۲. وظیفه یک شیعه و سالک راه حق، نسبت به امام زمان خویش چه نوع شناختی است؟

الف) شناخت شناسنامه ای امامت

ب) شناخت شخصیت و مقام و منزلت امامت

ج) شناخت موقعیت و جایگاه امامت

د) همه موارد

۱۳. کدام زیارت نامه یکی از بهترین و کاملترین گنج های معرفتی در امام شناسی است.

الف) زیارت آل یس

ب) زیارت جامعه کبیره

ج) زیارت جوشن کبیر

د) زیارت جوشن صغیر

۱۴. نماز امام زمان(عج) بر جنازه مطهر پدرش بیانگر چیست؟

الف) مطرح کردن خویش

ب) احرازِ عدم صلاحیت جعفر

ج) الف و ب

د) هیچکدام

۱۵. آخرین دیدار عمومی حضرت «بقیه الله» با مردم چه موقعی بود؟

الف) دیدار با نمایندگان مردم قم

ب) دیدار با علی بن سنان موصلی

ج) هنگام نماز خواندن بر جنازه مطهر پدر

د) دیدار با احمد بن اسحاق قمی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹